

برخورد ارزشهای آسیائی با فرهنگ غرب

مهاجرت از روستاها به شهرهای این کشورها ادامه دارد و شهرهای بزرگ صنعتی یکی پس از دیگری شکل می‌گیرند، مشکل در این کشورها کثرت جمعیت و نابسامانیهای ناشی از آن است که اجازه نمی‌دهد رفاهی را که سایر کشورهای آسیائی به آن رسیده‌اند بدست آورند.

آسیائی‌ها در رسیدن به اهداف خود در زمینه نظم، دیسپلین، زندگی خانوادگی، آموزش و پرورش و امنیت فردی، عواقبی را که غرب در راه رسیدن به همین اهداف دچار آنها شده نمی‌خواهند.

تاوانی که غرب پرداخته است

گرچه غربیها به اهدافی که امروز آسیائی‌ها به دنبال آن هستند رسیده‌اند ولی بشدت گرفتار آثار ناخوشایند جنسی آن، نظیر فحشا، مواد مخدر، از هم پاشیدگی خانواده‌ها، رها کردن فرزندان و سلب امنیت فردی دیگران هستند. آسیائیها در صددند با استفاده از تجارب غرب در گذر از مراحل صنعتی دلایل ایجاد این پدیده‌های منفی را شناسائی کنند و اجازه ورود آنها را به فرهنگ و ارزشهای خود ندهند. در امان بودن از پاره‌ای این پدیده‌ها تقریباً میسر نیست زیرا که نتیجه مستقیم و گسترده افزایش سرمایه و رفاه عمومی و آزادیهای فردی است که با هیچ حربه اجتماعی و مذهبی نمی‌توان به مصاف آن رفت، ممکن است شما یک قاچاقچی مواد مخدر را اعدام کنید اما از کشتش یک جوان که جیش مملو از پول است به سوی مواد مخدر نمی‌توان با نصیحت و وعظ جلوگیری کرد بلکه ایجاد جامعه سالم او را از این کشتش منع می‌کند. غرب از ایجاد چنین جامعه‌ای عاجز مانده، اما آسیا به دنبال آن است.

امروز آسیائیها ثروتمند در بخشی از ناهنجاریهای اجتماعی از غرب عقبترند و در برخی موارد پیشی گرفته‌اند، مثلاً در ژاپن که درآمد سرانه آن یک سوم بیش از امریکا است میزان طلاق در سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱ میزان در سالهای ۱۹۳۰ در امریکا قابل مقایسه است، اما بهرحال تفاوتی موجود میان امریکائیها و آسیائیها نه در ارزشهای اخلاقی، بلکه در نحوه عمل جامعه‌هایشان بسیار عمیق است.

رهبران آسیا اصرار به ادامه این نحوه عمل جوامعشان دارند و آنرا در قالب چنین کلماتی بیان می‌کنند: به سیاستمدارانی که معتقدند آمدن ثروت به معنی آمدن فساد است که در غرب شایع است اجازه قدرت نمائی ندهید، گذشت در مقابل جنایت را در هیچ بُعدی نپذیرید و قبل از آنکه جنایت و جنایتکاران خیابانهای کشورشان را در اختیار بگیرند آنرا در نطفه خفه کنید، آزادیهای فردی را همزمان با تأمین رفاه اجتماعی و استحکام بخشیدن به بنیادهای خانواده توأمأ به ملت خود عرضه کنید، موفقیت در این راه موفقیت در حفظ «ارزشهای آسیائی» است که به مصاف ارزشهای شکست خورده غرب برخاسته است.

مآخذ: اکتونومیست - سوم ژوئن ۱۹۹۴
برگردان از: سرویس ترجمه «گزارش»

متفق‌القولند که در تأمین رفاه اجتماعی مردمشان در ۲۵ سال گذشته کاری شبیه معجزه کرده‌اند. نظری دقیق به ساختار سیاسی این دو کشور نشان می‌دهد که همه موفقیتها در پرتو نظام یک حزبی و توانائیهای فردی سیاستمدارانشان حاصل آمده، آزادیهای فردی و رفتارهای اجتماعی کنترل شده است، و آزادی مطبوعات هم نامحدود نبوده است.

نقطه تلاقی دو فرهنگ

اخیراً جوانی امریکائی در سنگاپور به جرم بهم‌زدن نظم اجتماعی و وارد آوردن خسارت به اموال شخصی شهروندان سنگاپوری محکوم به شلاق خوردن شد. عکس‌العمل این رویداد در جامعه امریکا شگفتی همگان را برانگیخت: در یک نظرخواهی آماری، بسیاری از مردم عادی که از خشونت‌های جامعه خود به ستوه آمده‌اند از حکم دادگاه سنگاپور جانبداری کردند ولی مطبوعات و رسانه‌های گروهی امریکا با همه توان تبلیغاتی خود دولت سنگاپور را به در پیش گرفتن روشهای دیکتاتوری متهم کردند.

زمانی که موردی در خور توجه چون رویداد فوق پیش می‌آید نقاط تلاقی و تعارض دو فرهنگ غرب و آسیا جوهرهای خود را نمایان می‌سازند. اصولاً شلاق زدن در مجازات‌های دادگاههای سنگاپور پیش‌بینی نشده ولی بی‌بند و باری یک جوان امریکائی قاضی را وادار کرده است که تشبه بدنی را تجویز و خشم خود را از هرزه‌گرهای جوانان امریکائی بروز دهد.

بحث «ارزشهای آسیائی» بر سر این نیست که آیا پس از بانصد سال که فرهنگها از شرق به غرب معطوف شد اینک به حکم تاریخ باید تغییر مسیر دهد و از غرب به شرق سرازیر شود و حتی بحث بر سر این نیز نیست که دنیا به سوی «برخورد تمدنها» پیش می‌رود، بلکه بر سر آنست که امروز، در اواخر قرن بیستم و در آستانه قرن نو چگونه باید کشورهای ثروتمند و جوامع مدرن را سازمان داد؟ از چه راهی می‌توان موازنه میان آزادی و نظم را در گوشه و کنار جهان تعمیم داد و به چه شیوه‌ای باید توسل جست تا دولت‌ها را متوجه مسئولیتهائی کرد که در قبال فرد و خانواده دارند؟

اما همه کشورهای آسیائی ثروتمند نشده‌اند. چین، هند و اندونزی فقیرتر از آنند که آنها را وارد بحث «ارزشهای جدید و مدرن آسیائی» کرد، در قرون ۱۸ و ۱۹ در دوران استعمار انگلستان به دنبال ایجاد صنایع در شهرهای بزرگ این کشورها، روستائیان گروه گروه به این شهرها هجوم آوردند. بسیاری از این مهاجرت‌ها با آرامش توأم نبود و روستائیان برای سبقت گرفتن از یکدیگر در احراز مشاغل در شهرهای بزرگ یکدیگر را قتل عام می‌کردند و یا دست به شورش می‌زدند، ولی به هر حال چند دهه بعد زندگی آنها مرفه‌تر می‌شد و سطح زندگی بسیاری‌شان ارتقاء پیدا می‌کرد. امروز نیز

تمدنهایی که به دلیل موفقیت‌های اقتصادی خود را در مخاطره می‌بینند در جستجوی یافتن شیوه‌هایی هستند که با توسل به آنها ضمن ادامه نرخ رشد اقتصادی خود، از محو فرهنگهای ریشه‌دارشان جلوگیری کنند. در مورد موفقیت این تلاشها تردیدهای فراوان ابراز می‌شود. از جمله، غربیها معتقدند روح ویژه‌ای که در بطن فرهنگ صنعتی وجود دارد آنچنان نیرومند است که سایر فرهنگها را به آسانی در خود مستحیل می‌کند. آسیائیها گرچه بطور قطع این نظریه را رد نمی‌کنند ولی می‌گویند که موفقیت‌های بی‌در پی آنان در دو دهه گذشته، و پیش‌بینی آن برای دهه آینده را مروه «ارزشهای آسیائی» خود می‌داند و نه نفوذ فرهنگ صنعتی غرب. در استدلال آسیائیها نکته‌ای پراهمیت نهفته که برای غربیها تا حدودی نامفهوم است و آن اینکه آسیای بسیار وسیع، دارای فرهنگهای آن چنان متنوعی است که غرب قادر به درک آنها نیست، این قاره نه تنها ۶۰ درصد جمعیت جهان را دارد بلکه از ۵ فرهنگ حاکم بر گیتی چهار تایی آن را در خود جای داده است. این فرهنگها هر یک ویژگیها، پیچیدگیها، راز و رمزهای بسیار متنوعی دارند. نمی‌توان گفت فرهنگهای مذهبی موجود نظیر کنفوسیوسیسیم یا اسلام و یا بودا فرهنگهای مسلط در جوامع آسیائی هستند، آنچه بر آسیا تسلط دارد ستونهای رفیع «ارزشهای آسیائی» در این قاره با عظمت است. هیچ سخنگوی آسیائی قادر به ارائه یک حکم قطعی درباره این ارزشها نیست، چراکه ارزشهای آسیائی در هر گوشه از این قاره وسیع به شیوه‌ای متفاوت متداول است. آقای «تامی‌گه» سفیر پیشین سنگاپور در ایالات متحده دیپلماتی منطقی و اندیشمند است، او اخیراً در مقاله‌ای ارزشهای آسیائی را چنین توضیح داده است: «ارزشهای آسیائی بر خانواده، آموزش و پرورش، آینده‌نگری و ذخیره عوامل مادی و معنوی برای ساختن آینده، سخت‌کوشی، مالک مسکن بودن و زندگی در جامعه‌ای سالم استوار است.» غربیها معتقدند آسیائیها برای دستیابی به این اهداف چندان معتقد به شیوه‌های معمول در دمکراسی‌های غربی یعنی حضور احزاب در دولت و پارلمان نیستند و دولتمردانشان ترجیح می‌دهند از راه خودکامگی و انحصار قدرت به این اهداف نایل شوند، به زبان دیگر، افزون‌خواهی شخصی در فرهنگ سیاسی آسیائیها برای خود جایی دارد. گو این که افزون‌خواهی شخصی در بسیاری از سیاستمداران غرب نیز دیده می‌شود که در پوششی دمکراتیک با فلسفه‌ها و سفسطه‌های گوناگون توجیه می‌گردد.

از نظر غربیها کشورهایی که در سالهای اخیر ارزشهای آسیائی از آنها برخاسته و بیشترین پژواک را در خارج داشته‌اند سنگاپور و مالزیند که فرهنگها در آنها پرتو عریض‌تری از سایر کشورهای آسیائی است. امروز این دو کشور از موفق‌ترین کشورهای جهان در زمینه رشد و توسعه اقتصادی بشمار می‌روند و همه جهانیان